



«ارزیابی سیاست‌های مدیریت یکپارچه شهری در ایران با رویکرد حکمروایی»

آزاده اربابی سبزواری^۱، محمد رامیان*^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر مسائل و مشکلات شهرها پیچیده‌تر شده است و مدیریت یکپارچه شهری به تحول و نگرشی فراتر از نگرش و عملکرد سیستم مدیریتی سنتی پیشین نیاز دارد. تعدد مدیریت و ناهماهنگی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی متولی امور شهری از مسائل اساسی در حوزه مدیریت شهری، است؛ امروزه اداره مطلوب شهرها، بدون مدیریت یکپارچه شهری امکان‌پذیر نیست. تحقق مدیریت و تغییرات در رویکردهای مدیریتی در بستری اتفاق می‌افتد که به بستر حکمرانی شناخته می‌شود. مفهوم حکمرانی (Governance) هم‌خانواده با مفهوم حکومت (Government)، اما متفاوت از آن است. حکمرانی به‌جای تمرکز بر دولت، قدرت را در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت و در قالب سه رکن: «حکومت»، «بخش خصوصی» و «جامعه مدنی» جریان می‌دهد. به‌علاوه شالوده حکمرانی، فرآیند تصمیم‌سازی و اجرای تصمیمات است که مشخص می‌کند چگونه سه بازیگر یادشده با اولویت‌ها و سلايق متفاوت، به هماهنگی می‌رسند. به‌این‌ترتیب موضوعات مطرح در مقوله حکمرانی، شامل قدرت و نظام توزیع آن، چگونگی سیاست‌گذاری، اولویت‌بندی‌ها و پاسخ‌گویی می‌شود.

در این مطالعه، به ابعاد مختلف حکمروایی و مدیریت یکپارچه، پرداخته‌شده و موانع و چالش‌های حکمروایی در ایران موردبررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی از قبیل «فقدان شهر و نظریه‌ای پایه برای تعریف شهر در ایران»، «عدم شکل‌گیری جامعه مدنی قدرتمند و تأثیرگذار»، «عدم تکوین مفهوم برنامه‌ریزی در ایران»، «فقدان جایگاه مفهوم شهروندی»، «جایگاه مدیریت شهری در قوانین و اسناد فرادست»، «عدم وجود یکپارچگی در مدیریت شهری» و «تأمین مالی ناپایدار شهرداری‌ها و مشکلات تبعی آن» از مهم‌ترین موانع در این زمینه به شمار می‌روند (آشناور و همکاران، 1400).
واژگان کلیدی: حکمروایی، مدیریت شهری، حکمرانی، مدیریت یکپارچه شهری

¹ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، arbab@yaho.com
² نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، Ramianmohamad@yahoo.com

1_ مقدمه

تعدد موضوعات و سازمان‌های دخیل در امر برنامه‌ریزی به دلیل پیچیدگی ذاتی شهرها، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری را ناگزیر به اتخاذ رویه برنامه‌ریزی واحد و یکپارچه جهت ایجاد هماهنگی بین اولویت‌ها و نیازهای مختلف این مداخله‌کنندگان می‌نماید. امروزه بیش از گذشته این نکته مورد تأکید قرار گرفته که برنامه‌ریزی شهری کارآمد و مؤثر و یکپارچه در بین مؤسسات، نهادها و سازمان‌های مسئول ضروری است. برقراری ارتباط مؤثر و کارا میان مداخله‌کنندگان گوناگون به کاهش مدت‌زمان لازم برای واکنش در مقابل اختلالات در سیستم و نظام شهری کمک خواهد کرد. برای ایجاد ساختاری جامع و یکپارچه باید ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، حفاظت محیط‌زیست و ساختارهای اجتماعی به‌وسیله همه مداخله‌کنندگان و یا به عبارتی افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های ذینفع در شهر به‌درستی درک شود (قرخلو و حسینی، 1386). باگذشت بیش از یک قرن از شکل‌گیری ساختارهای سازمانی نوین در حوزه مدیریت شهری در ایران در کنار سابقه تاریخی کهن آن در کشور، بر اساس جایگاه حقوقی تعریف‌شده برای شهرداری‌ها در ایران، مدیریت شهری، مدیریتی واحد نیست و اداره‌کنندگان شهر مشتمل بر نمایندگان دولت و مردم هستند. این نوع مدیریت متفرق سبب دوباره‌کاری، انجام کارهای موازی و بعضاً از بین رفتن سرمایه‌های عمومی، ایجاد تشکیلات عریض و طویل دیوانی، ایجاد اصطکاک و برخورد ادارات، ناهماهنگی در انجام وظایف و عدم مسئولیت‌پذیری می‌گردد (کامیار، 1385).

یکی از مباحث بسیار مهم که از دهه 1980 به بعد در ادبیات توسعه مطرح‌شده، موضوع حکمرانی است. حکمرانی مفهوم جدیدی نیست؛ بلکه قدمت آن به پیشینگی تمدن بشری برمی‌گردد. در حال حاضر موضوع حکمرانی به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (یگانگی و همکاران، 1395). باین‌حال، معنای ساده حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و رویکردی است که به‌وسیله آن، تصمیمات اجرا می‌شوند. در برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل (Khandakar, 2009)، حکمرانی را همان اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور در کلیه سطوح می‌دانند. حکمرانی خوب، در بیانیه هزاره سازمان ملل متحد، به‌عنوان شرط اصلی دستیابی به هدف‌های توسعه هزاره سوم مطرح‌شده است. لکن بایستی این نکته را مدنظر قرار داد که تحقق حکمرانی مطلوب و چگونگی بهبود حکمرانی در شرایط خاص هر کشور، تجویزی نبوده و نیاز به کار تخصصی و اجتماعی دارد. بحث حکمرانی در هر زمینه‌ای ارتباط زیادی با اصول و اساس تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژیک جامعه دارد و در یک نگاه کلان به جامعه، حکمرانی به مفهوم تنظیم روابط دولت با بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی است. مدیریت یکپارچه شهری نیز نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری کلان، ارتباط و هماهنگی زیربنایی تمام بخش‌ها و دستگاه‌های دولتی، غیردولتی و ... است که در بستر حکمرانی خوب قابل پیاده‌سازی می‌باشد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حاکمان و حکومت‌شوندگان و حکومت مربوط است. در این تعریف حکمرانی گسترده‌تر از حکومت است و حکومت یکی از مؤلفه‌های آن به شمار می‌آید. این تعریف تا حدی تأیید این نکته است که هماهنگ‌سازی نظام‌های اجتماعی پیچیده و هدایت توسعه جامعه هیچ‌گاه، تنها به عهده دولت نبوده، بلکه همواره مستلزم روابط متقابل میان طیف گروداران دولتی و غیردولتی بوده است (جزشکوهی و همکاران، 1393).

2_ بیان مساله

بر اساس گزارش سازمان ملل، سال 2008 نقطه عطفی در تاریخ جهان است، زیرا بیش از نیمی از جمعیت جهان ساکن در شهرها بودند. زندگی همچنین پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال 2030 به حدود 5 میلیارد نفر افزایش می‌یابد که حدود 4 میلیارد آن متعلق به جمعیت کشورهای درحال توسعه است (Berkpour & Asadi, 2001:7).

شهرها برای مدیریت و اداره خود راهی به جزء زمینه‌سازی برای توسعه دموکراسی نیافته‌اند و در این راه به شکل تازه‌ای از حاکمیت دست‌یافته‌اند، که برخی آن را در حد اختراع و ابداع جدید بشری در ایجاد نظام اجتماعی نوین دانسته‌اند. این شکل جدید به نام جنبش حاکمیت شایسته یا حکمروایی نامیده می‌شود که منشأ شهری دارد. حکمروایی شهری در پی آن است تا نقش دولت را در حد هماهنگ‌کننده و پاسدار قوانین محدود کند و از دخالت مستقیم آن را در تصمیم‌گیری‌ها، اداره و اجرای امور مربوط به زندگی روزمره

مردم بکاهد (پوراحمد و همکاران، 1397). امروزه مدیریت متمرکز و دستوری از بالا به پایین بدون توجه به توان بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی قادر به حل مشکل شهری نیستند، بلکه نظام‌های برنامه‌ریزی شهری با رویکرد مشارکتی به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین و مقبول‌ترین رویکردها در جهت نیل به اهداف برنامه‌ریزی از جمله پایداری پذیرفته شده است. به عبارتی اگر حکمروایی شهری، حکومت شهری و جامعه مدنی را در برگیرد می‌تواند باعث تقویت عرصه عمومی شود. افزایش مشکلات در عرصه مدیریت شهری این نکات را تقویت می‌کند که توجه واقعی به کنشگران در عرصه تصمیم‌گیری‌ها به‌منظور شناخت و حل مؤثرتر مشکلات می‌تواند راهگشا باشد. در این فرآیند نیازها و نظرات شهروندان در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری در نظر گرفته می‌شود. در واقع حکمروایی به‌عنوان رویکردی که در آن از توانایی همکاری همه ذینفعان پشتیبانی و حمایت از مدیران سلسله‌مراتب در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و شناخت مؤثرتر مسائل را فراهم می‌کند. می‌توان گفت با توجه به اینکه مدیریت خوب، سیاست خوب و موفق با تعاملات قوی در سطح شهری امکان‌پذیر است، به‌کارگیری رویکرد حکمروایی می‌تواند کمک حل مدیران برای رسیدن به مدیریت مطلوب باشد. با گسترش شهرنشینی و افزایش مشکلات شهری و نیاز به ارائه راهکارها برای مدیریت شهری، توجه به حکمروایی و مشارکت مردم ضرورت می‌یابد. ضعف مدیریت شهری و نارضایتی شهروندان، ضرورت طراحی الگوی جدید مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمروایی شهری را مطرح می‌کند. استفاده از ظرفیت بومی شهرها در قالب نهادهای مدیریتی مختلف (بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی) حائز اهمیت است (زیاری و همکاران 1397).

3_ مبانی نظری تحقیق

ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع شهر و منطقه شهری، امروزه در تمام کشورها به موضوعی جدی بدل شده است

(Nadin, 2006; Stead and Meijers, 2004). به‌بیان دیگر، برخورد با این‌گونه مسائل پیچیده و هم‌پیوند نیازمند یکپارچه‌سازی عمودی از یکسو و یکپارچه‌سازی افقی در همه سطوح حکومتی (ملی، منطقه‌ای و محلی) از سوی دیگر است (European Union, 2011; Nadin, 2006; Shaw and Sykes 2005).

امروزه واژه «مدیریت شهری» در شهرها مفهوم ویژه‌ای ندارد که بر اساس آن جایگاه و نظام خاص اداره شهر را در ذهن تداعی کند. به‌عبارت‌دیگر، سامانه‌های مدیریتی شهرها از حداقل ساختارهای نظام‌مند و متناسب با نیازهای امروزی شهرها برخوردارند. نیازهای وسیع شهروندان در همه زمینه‌ها از یکسو و سیاست‌های متفاوت و گاه متضاد دستگاه‌های خدمات رسان شهری برای پاسخگویی به این نیازها از سوی دیگر، فضایی را فراهم آورده که به دلیل ناهماهنگی دستگاه‌ها و چرخه نیمه‌کامل اداره شهر، اثربخشی سیاست‌ها را به حداقل ممکن کاهش داده است (ناظمی و همکاران، 1388). ضرورت تحقق مدیریت یکپارچه شهری، از این جهت است که در شهرهای بزرگ، سالانه هزینه‌های زیادی به دلیل ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی، به شهروندان تحمیل می‌شود. یکی از نمونه‌های آشکار این ناهماهنگی‌ها، تداخل دو طرح عملیاتی از سوی دو نهاد متفاوت است که این امر منجر به اتلاف مقدار زیادی از منابع ملی و محلی می‌شود (کاظمیان و همکاران، 1392). مدیریت شهری در ایران به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتهی و مبتنی بر نفت تحت تأثیر دولت بوده است و مدام از مدیریت سیستمی و یکپارچه فاصله گرفته و به مدیریت بخشی رو آورده، همچنین از روند شهرنشینی و مسائل برآمده از آن، عقب‌مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار شده است (Hekmatnia et al, 2017:608). تجربیات مدیریت شهری در ایران حاکی از آن است که فرآیند مدیریت از بالا به پایین و غال با بر مبنای الگوهای مدیریتی برون‌زا پیش رفته است. به‌طور کلی الگوی مدیریت شهری، نظام سیاسی کلان‌یک کشور و قوانین آن می‌تواند اثر قابل توجهی در نوع حکومت‌های محلی و قدرت نهادهای مدیریت شهری داشته باشد (حیدر زاده و همکاران، 1400).

بدین ترتیب مدیریت یکپارچه شهری، یکپارچه‌سازی، حکومت شهری یکپارچه، چه در سطح نظری و چه در سطح عملی گویای این است که سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت قادر نخواهد بود تعدد و تکثری را که در ماهیت پدیده‌ای چون شهرها و مناطق شهری وجود دارد؛ بدون جامع‌نگری، یکپارچه‌سازی تصمیم‌ها و سیاست‌های عوامل مختلف هدایت کند. تعدد، تنوع، تکثر عناصر، ابعاد مختلف شهری

وزندگی شهری از یک‌سو، عوامل تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار مؤثر در ساخت شهر و هدایت توسعه آن از سوی دیگر، تهدیدی بالقوه بزرگی در برابر برنامه‌ریزی و مدیریت یکپارچه و منسجم این پدیده به حساب می‌آید (برک‌پور و اسدی، 1390: 79).

3_1_ مدیریت شهری

مدیریت شهری تلاشی است برای هماهنگ کردن و یکپارچه کردن اقدامات دولتی و خصوصی جهت چیره شدن بر مسائلی که ساکنان شهرها با آن مواجه هستند و ایجاد شهرهای رقابتی‌تر، عادلانه‌تر و پایدارتر (برک‌پور و اسدی، 1388). شالوده مدیریت شهری عبارت است از: بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (سعیدی، 1388).

در سال‌های گذشته در محافل علمی و اجرایی کشور، در حیطه مسائل و مشکلات پیشروی مدیریت شهری، مفهوم مدیریت یکپارچه، هماهنگ و یا واحد شهری مطرح شده است. همچنین تصریح ماده 136 قانون برنامه سوم توسعه، ماده 137 قانون برنامه چهارم و ماده 173 قانون برنامه پنجم توسعه به تحقق مدیریت واحد شهری، منجر به فراگیرتر شدن این مفهوم شده است (کاظمیان و میر عابدینی، 1392).

سیر تحول تاریخی مدیریت شهری در ایران تا پیش از دوران مشروطیت نشان می‌دهد مفهوم شهر، مدیریت شهری و حقوق شهروندی در ایران پیش از اسلام، به دلیل توسعه پراکنده شهرها و عدم وجود یک نظام واحد و قانون‌گرا در گستره وسیع سرزمین ایران، آن‌گونه که باید، نسج نگرفته بوده است. پذیرش اسلام در ایران به همراه خود تغییرات گسترده‌ای را در شئون مختلف زندگی اجتماعی-اقتصادی و از جمله در نحوه شهرنشینی پدید آورد. در ایدئولوژی اسلامی مفهوم امت اسلامی مطرح شد که تفکری همه‌شمول داشت. هرچند اصول اسلامی در اجرا وابسته به تفسیر و احکام خلفا شد و به‌مرور مفاهیم مقدس اسلام از الگوی آرمانی‌اش دور شد به‌مرور و باگذشت چند قرن پس از ورود اسلام به ایران، با شکل‌گیری حکومت‌های اقتدارگرایی همچون سامانیان، نظام سلسله‌مراتبی قدرت و مدیریت طبقاتی در میان حاکمان شکل گرفت و به‌مرور الگوی حکمرانی بر مردم بر اساس الگوی یک‌سویه قدرت شکل گرفت (اشرف، 26:1353). با به قدرت رسیدن صفویه، شهرنشینی رونق مجدد گرفت. امکان تولید و دادوستد گسترده در کشور موجب به وجود آمدن شهرهای آباد و ثروتمند با جمعیتی فراوان و ساخت‌وساز بناها و عمارت‌های باشکوه شد (اقبال آشتیانی و دیگران، 590:1387). دوره قاجار مهم‌ترین دوره تاریخی از لحاظ موضوع حق شهروندی و ورود مفاهیم مشارکت مردمی در شکل‌دهی به ساختار قدرت به حساب می‌آید؛ چراکه علیرغم آشنایی ایرانیان با فرهنگ شهری اروپای جدید، ورود اندیشه‌های شهروندی و سیاسی و حضور گسترده اروپاییان در ایران، دو اتفاق مهم دیگر، مسیر تاریخی به رسمیت شناختن حق بر شهر را در ایران تغییر داد: اول آن‌که سعی حکومت‌های غربی مداخله‌گر در ایران و عزم نخبگان و قدرت‌های مذهبی و نظامی گوشه‌کنار ایران در ساقط کردن حکومت قاجار ضعیف شده، زمینه انقلاب مشروطه را فراهم نمود که به‌عنوان نهادی مؤثر و مردمی در مفهوم زمان خود نقطه عطفی در به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی بود؛ و دوم اعلام انقراض حکومت قاجار توسط مجلس که نه‌تنها نشان از قدرت مجلس آن زمان داشت، بلکه سبب در هم شکستن قدرت و ابهت نظام شاهنشاهی و تصویر معطوف به مذهب حکومت شاهی تا آن زمان بود (حائری، 1394: 180). مشروطیت، هم‌زمان با فرایند اقتباس از الگوهای شهرداری و شهروندمداری غربی، تحولات اساسی در عرصه مدیریت شهری کشور ایجاد شد و الگوهای یکجانبه‌نگر حکومت رانی در شرق، جای خود را به الگوهای دو یا چندجانبه حکومت رانی بر مبنای اصل تفکیک قوا (با منشا غربی) داد. در حقیقت دوران مشروطه را می‌توان مبدأ مهم تاریخی در زمینه مشارکت‌محوری و قانون‌مداری در عرصه مدیریت شهری در نظر گرفت. 4 معیار تمرکززدایی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و قانونمندی در ساختار مدیریت شهری کشور ایران، از دوران مشروطه تا به امروز:

جدول شماره 1. معیارهای مدیریت شهری از دوران مشروعیت تا به امروز

<p>کشور ایران در دسته کشورهای دارای نظام متمرکز اداره امور قرار دار. سابقه تمرکززدایی و شکل گیری حکومت های محلی به اولین دوره مجلس شورای ملی و تصویب قانون ایالات و ولایات و قانون بلدیة باز می گردد، اما هیچ گاه، نهادهای مذکور از توان و استقلال کافی برای ایفای نقش خود برخوردار نبوده اند.</p>	تمرکززدایی
<p>تأکید بر مشارکت شهروندان با وقوع جنبش مشروطه و معنا یافتن مفهوم مجلس. بعد از انقلاب اسلامی تأکید بر مردم سالاری دینی به عنوان حرکتی در راستای فاصله گیری از اقتدار مرکزی مطرح شده است.</p> <p>-تصویب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در سال 1375 و انتخاب اعضای شورا از طریق مشارکت و آرای مستقیم مردم</p>	مشارکت
<p>شهرداری به عنوان سازمان عمومی و غیردولتی، مجری مصوبات و تصمیمات شورای شهر است؛ به غیر از اموری که به صراحت قانون خارج از اختیارات شورا بوده و مصوبه شورا را ملزم به موافقت و تأیید سازمان های دولتی می نماید.</p> <p>-تصمیم گیری در خصوص انحلال شورای شهر بعد از تصمیم گیری در هیئت حل اختلاف مرکزی متشکل از نمایندگان قوه مجریه، قضاییه و مقننه و نمایندگان شورای عالی استان ها صورت می گیرد.</p>	قانونمندی
<p>وظایف شهرداری در ایران را می توان در این موارد طبقه بندی نمود: امور اجرایی و توسعه فضاهای شهری، مراقبت در امور بهداشت ساکنان شهر و حومه، برآورد و تنظیم بودجه، نظارت بر ساخت و ساز و توسعه زمین، صدور پروانه برای کلیه اصناف و پیشه وران. اگرچه طی دو دهه اخیر و با تصویب قانون شوراها، قدرت یکجانبه شهردار در امور اجرایی شهر تعدیل شده است.</p> <p>-یکی از مهم ترین ویژگی ها در مورد شوراها، اختیار عزل مستقیم شهردار توسط شورا (و به طور غیرمستقیم توسط مردم) است که مهم ترین ابزار شورای شهر برای اعمال نظارت و کنترل بر عملکرد شهردار و به تبع آن شهرداری است. در عین حال یکی از مهم ترین وظایف شورای شهر در ایران تصویب بودجه سالانه (اجرایی و جاری) می باشد.</p>	مسئولیت پذیری

مأخذ: (حیدر زاده و همکاران، 1400).

3_2_ اهداف مدیریت شهری

- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه های کم درآمد
- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار
- حفاظت از محیط کالبدی شهر (محمدی و همکاران، 1399: 285).

3_3_ مدیریت یکپارچه شهری

در مفهوم مدیریت یکپارچه شهری، بیشتر هماهنگی و یکپارچگی در عملکردها و وظایف مدیریت مدنظر است (شبعه، 1380). استورات³ (2005)، در تعریف مدیریت شهری می‌گوید: برای دستیابی به کارایی، برابری، مشارکت، پاسخگویی مدیران و امنیت شهر در فرایندهای مدیریت یک شهر، حکمروایی شایسته پیشنهاد مناسبی است. مدیریت شهری یکپارچه، راه‌حلی تمرکززدایانه و مبتنی بر قدرت چندجانبه و یکپارچه‌شده عناصر متکثر مدیریت شهری منطبق بر الگوی حکمروایی شهری است (کاظمیان، 1392). در تعریف بانک جهانی، یکپارچگی خوب با سیاست‌گذاری قابل پیش‌بینی، آشکار و روشن‌بین، قانونمندی، فرآیند شفاف در جامعه مدنی مشارکت-کننده در امور عمومی تجلی می‌یابد (سیرینویس⁴، 1996).

3_4_ مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری

با توجه به تعاریف مختلف از مدیریت یکپارچه شهری و همچنین بررسی مطالعات پیشین و نظریات کارشناسان و متخصصان شهری حول موضوع مذکور، کلیه ابعاد و شاخص‌هایی که از تعاریف مدیریت یکپارچه شهری آورده شده و بین آن‌ها پراهمیت‌ترین آن انتخاب شده است.

جدول 2: مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت یکپارچه شهری

همپایانی	وجود اهداف بلندمدت هم‌راستا میان سازمان‌های متولی امور شهری
	وجود اهداف بلندمدت مشترک میان سازمان‌های متولی امور شهری
	وجود مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی اجرایی در راستای چشم‌انداز سازمان
وحدت فرماندهی	وجود یک مرکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری فرا سازمانی برای این سازمان و سایر سازمان‌های متولی امور شهری
	وجود مرکزی برای مطالعه و طراحی قبل از برنامه‌های اجرایی و عملیات
	وجود یک کانون رهبری فرا سازمانی برای سامان دادن به پراکندگی مدیریت امور شهری
انسجام	وجود همبستگی بین مدیران سازمان‌های متولی امور شهری، در رابطه با اقدامات اجرایی
	وجود همبستگی بین مدیران و کارکنان این سازمان
	وجود همبستگی بین این سازمان و سایر سازمان‌های متولی امور شهری
	متعهد بودن کارکنان نسبت به امور اجرایی مربوط به شهر
بسترسازی	وجود قانونی و حقوقی زیرساخت‌ها
	وجود زیرساخت‌های مناسب ارتباطی
	مناسب بودن وضعیت زیرساخت اطلاعات
	در اختیار قرار دادن تمامی امکانات به کارکنان، جهت توانمندی در برخورد با مشکلات

³. Stewart

⁴. Srinivas

وجود تعامل بین این سازمان با سایر سازمان‌های متولی امور شهری	تعامل
ایجاد شرایطی برای ایجاد تعامل با شهروندان	
وجود تنوع شغلی و کاری در سازمان	ساختار تشکیلاتی
مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان	
نظارت دقیق در خصوص رعایت آیین‌نامه و بخش‌نامه‌ها	
اخذ تصمیم‌های مهم در سازمان با استفاده از فرآیند بحث عمومی	
وجود هماهنگی میان مراکز اخذ تصمیم‌های کلیدی و اساسی سازمان	هماهنگی
وجود هماهنگی میان مراکزی که اقدام به تصویب برنامه‌ها می‌کنند	
وجود هماهنگی میان اقدامات و فعالیت‌های اجرایی مشترک میان سازمان‌های متولی امور شهری	
وجود هماهنگی میان سازمان‌های متولی امور شهری	
میزان کیفیت نظام پیشنهادهای کارکنان سازمان	حکمرانی خوب
میزان کیفیت نظام پیشنهادهای شهروندان	
وجود جلساتی برای تبادل دانش و تجربیات	
در دسترس قرار دادن اهداف، طرح‌ها و صورت‌های مالی سازمان برای شهروندان	
ارائه اطلاعات عملکردی، به‌موقع، عینی و به‌طور شفاف	
مشارکت شهروندان، در طراحی پروژه‌ها، برنامه‌ها و اقدامات	
گزارش عملکرد سازمان به شهروندان	
گزارش عملکرد سازمان به نهادهای ذی‌صلاح	
گزارش عملکرد سازمان به سرمایه‌گذاران غیردولتی و تشکلهای کاری	
وجود سازوکارهای پاسخگویی برای شهروندان	
مسئولیت‌پذیری سازمان در قبال ذی‌نفعان خود	
میزان اهمیت سازمان به اجرای قوانین و مقررات در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای امور	
در اختیار قرار دادن امکانات به کارکنان، جهت توانمندی در برخورد با مشکلات	
وجود دیدگاه کل نگرانه در مواجهه با مسائل پیچیده شهری در سازمان	دیدگاه سیستمی
وجود دیدگاه مشترکی میان اقدامات کاری سازمان‌های متولی امور شهری	
نزدیکی دیدگاه‌ها و اهداف سازمان‌های متولی امور شهری	
هم‌راستایی اهداف بلندمدت سازمان‌های متولی امور شهری	

مأخذ: بابایی و ابراهیمی، 1395: 26

3_5_ حکمروانی

ریشه حکمرانی، به کلمه یونانی kubernan (راهبری یا هدایت کردن) برمی‌گردد. کلمه‌ای که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت یک نظام حکومتی به کار برده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به کلمه Gubernane تبدیل شده است که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد (کایر، 1386). مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد، حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور تعریف می‌کند که فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است و در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت کرده و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است (UN-Habitat, 2006). حکمرانی، فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات است و بدین ترتیب، تحلیل حکمرانی بر روی بهره‌برداران رسمی در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای تصمیمات، ساختارهای رسمی و غیررسمی متمرکز می‌شود. دولت یکی از گروه‌داران است. سایر گروه‌داران حکمرانی با توجه به وابستگی‌شان به سطوح مختلف نفوذ ایشان، متفاوت است. برای مثال در نواحی روستایی، سایر گروه‌داران ممکن است، شامل زمین‌داران صاحب نفوذ، اتحادیه‌های کشاورزان روستایی، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی، نهادهای پژوهشی، رهبران مذهبی، نهادهای مالی، احزاب سیاسی، نظامیان و غیره باشند (کوهستانی و قاسمی، 1393).

در مقایسه حکومت و حکومت‌داری با حکمرانی، می‌توان حکومت را نظامی دانست که تحت آن یک کشور یا یک اجتماع اداره می‌شود. حکومت‌داری نیز ابزاری است که به وسیله آن سیاست‌های دولت مورد اعمال واقع می‌شوند و همین‌طور این نهاد خود سیاست‌گذار و تعیین‌کننده راهبردهای پیش روی کشور است. نوع حکومت‌داری و شکلی که کشور با آن اداره می‌شود، به نظام‌های سیاسی مختلف و نهادها و ابزارهایی بستگی دارد که مورد استفاده ایشان قرار می‌گیرد. این نهاد معمولاً از سه بخش یا قوه تشکیل می‌شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه (اکبری و همکاران، 1395). حکومت‌داری به‌طور خاص، به معنی حکمرانی از طریق اعمال اقتدار و نیز اداره امور کشور، آمده است. بنابراین حکومت‌داری «ساختار سازمان رسمی و جایگاه تصمیم‌گیری اقتدارمآبانه است» که دربرگیرنده شاخه‌های اجرایی و قانون‌گذاری کشور و نیز کسانی است که آن‌ها را کنترل می‌کنند؛ در مقابل حکمرانی کنش، شیوه یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی در هم می‌روند (ایمانی و همکاران، 1391).

3_6_ ابعاد حکمروایی شهری

حکمروایی دو وجه دارد. برخی مواقع تأکید بر نهادها، ساختارها و سازمان‌هاست، یعنی جنبه عینی دارد و برخی زمان‌های دیگر به‌عنوان فرآیند به کار می‌رود. وقتی حکمروایی به‌منظور نیاز اجتماعی، نیروی اجتماعی و حرکت اجتماعی برای ادامه زندگی باشد، فرآیندی محسوب می‌شود که باید به شکلی نهادمند و قانونی درآید. به اعتقاد من هر نوع تحولی سه مرحله دارد: مفهوم‌سازی، نهادسازی و پس‌از آن فرهنگ‌سازی، به‌طور مثال موضوع شوراها و جامعه مدنی در ایران مطرح شد. سپس در قانون تجلی پیدا کرد و مؤسساتی به وجود آمد. در دنیا هم ابتدا نیاز به تغییر و تحول، خود را نشان داد و سپس تعمیم یافت. امروزه در سطح جهانی، حکومت و حاکمیت بشری، رویکرد نوینی را می‌طلبد. حکمروایی هم شامل نیروها و انگیزه‌های اجتماعی است و هم شامل سازمان‌ها و نهادهایی که می‌توانند به آن تحقق بیرونی بخشند (معینان میاندوآب و برنجی، 1398).

3_7_ موانع حکمروایی شهری

موانع تحقق شهری در دو سطح کلان و خرد مطرح می‌شوند. عوامل کلانی که با توجه به تعریف ما از حکمروایی شهری، می‌تواند مانع شکل‌گیری و توسعه آن شود، عبارت‌اند از:

1- موضوع شکاف ملت و دولت در ایران که ماهیت سیاسی اقتصادی دارد و از سوی بعضی از نظریه‌پردازان مطرح شده است. آنان در یک بحث مقایسه‌ای میان کشورهای شرق و غرب، ایران را جزو کشورهای شرق می‌دانند و اعتقاد دارند که وجه ممیز اصلی در میان این دو قلمروی اصلی تمدن، قانون، قانونمندی و پایبندی به آن است. آنان توسعه را مستلزم سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری را مستلزم

پس‌انداز، پس‌انداز را مستلزم وجود امنیت و امنیت را مستلزم وجود قوانین و مقررات و پایداری به آن‌ها می‌دانند و می‌گویند این موضوع در غرب ریشه داشته اما رد شرق نداشته است. در غرب ریشه قانونمندی به دوره یونان و روم قدیم بازمی‌گردد، اما در ایران تا همین قرون اخیر هم سلاطین، مرجع اصلی قانون‌گذاری و اجرای قانون بوده‌اند.

2- حس استقلال دولت از ملت به دلیل تکیه بر درآمد نفتی که متأثر از همان جریان است. از زمانی که درآمد فروش نفت افزایش می‌یابد، دولت خود را از مردم و منابع مالی آن‌ها جدا می‌بیند و به‌طور طبیعی، زمینه‌هایی برای مشارکت مردم چه در سطح شهری و چه در سطح محلی ایجاد نمی‌کند.

3- عامل دیگر، تضعیف مشارکت مردم است. ما در قانون بلدی، الگوی مترقی مشارکتی داشتیم اما در دهه‌های 20 و 30 در زمینه نظام مدیریتی در ایران دچار ضعف شدیم و این ضعف ادامه پیدا کرد.

4- تمرکزگرایی در نظام تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی. ماهیت نظام سلسله‌مراتبی و بخشی در ایران، تمرکزگرایی را تشدید می‌کند. این موضوع، یکی از موانع جدی در راه تحقق حکمروایی شهری است. در حکمروایی شهری، هماهنگی و همکاری افقی با تشکلهای و نهادهای خصوصی، موردنظر است.

5- یکپارچگی و هماهنگی در نظام مدیریت شهری که در نتیجه کاسته شدن وظایف و اختیارات نهادهای عمومی شهری، تضعیف شده است.

6- تضعیف نهادهای عمومی در مقابل سازمان‌های دولتی. این موضوع موجب می‌شود که هر جا رقابتی میان این دو درگیرد، دست سازمان دولتی به‌عنوان برنده بالا رود.

اگر آثار منفی ناشی از عناصر گفته‌شده را بپذیریم، راهبردها و راه‌حل‌ها مشخص خواهند شد. به‌طور مثال افزایش مشارکت مردمی، کاهش تمرکزگرایی، ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در نظام مدیریت شهری و . . . می‌تواند راهکارهای محتمل باشند (محبوبی و حبیبی، 1398).

4_ ادبیات و پیشینه تحقیق

واژه‌های حکمروایی و حکومت مفاهیم تخصصی هستند که بعضاً فارغ از مفهوم، بجای همدیگر بکار می‌روند؛ اما حکمروایی عبارت است از هدایت کردن، راهنمایی کردن و یا چیزها را در کنار هم نگه‌داشتن است. درحالی‌که مفهوم حکومت دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاست‌گذاری داشته است. لذا حکومت بخشی از سیستم بزرگتر حکمروایی است (شریفیان ثانی، 1380). بنابراین، نظریه حکمروایی یعنی نحوه اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم. در دهه‌های اخیر حکمروایی به یکی از موضوعات مهم در گفتمان توسعه، تبدیل شده است. همچنین از آن به‌عنوان فرآیند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود و به‌موجب آن، همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمهیداتی را برای حل مشکلات فراهم می‌کنند که نتیجه آن رفع ناپایداری از بدنه توسعه، رفع ناپایداری‌ها از بدنه نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی، کارآمد سازی مدیریت، مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور و تفویض قدرت، وظایف و صلاحیت‌ها به سایر ذینفعان محلی خواهد بود (لاله‌پور، 1386). حکمروایی طی دهه 1990 میلادی به یکی از واژه‌های محوری علوم اجتماعی، علوم سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شده است. بنابراین حکمروایی نوعی اعمال اقتدار در روش یا سیستم اداره است که در آن مرزهای بین سازمان‌ها، و بخش‌های عمومی و خصوصی در سایه یکدیگر محو می‌شوند و در سایه آن ذینفعان مختلف منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری می‌کنند، تعهدات خود را بجا می‌آورند و اختلافات خود را حل می‌کنند (تاتار و همکاران، 1394).

سه عنصر دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در رابطه با حکمروایی وجود دارد. به هر میزان که این سه نهاد به هم نزدیک‌تر شوند و بتوانند در اجرای دستورات متوازن عمل کنند، به همان اندازه حکمروایی هم به‌خوبی اجرا خواهد شد (صفریان و امام‌جمعه‌زاده، 1396). از دهه 1980 موضوع حکمروایی به‌موازات تأثیرات جهانی شدن در مسائل سیاسی موردبررسی قرار گرفته است و در راستای به‌کارگیری آن تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها در عرصه شهری شکل گرفته است (Uzun, 2007:127).

افزایش همکاری، ظرفیت‌سازی سامانه‌های حکمروایی را افزایش می‌دهد که این موضوع سبب افزایش انعطاف‌پذیری خواهد شد. به عبارت دیگر، حکمروایی انطباقی مستلزم همکاری بیشتر است، اما پیچیدگی سامانه‌های اجتماعی و محیطی چالش‌هایی را برای این همکاری ایجاد می‌کند (Morinville و Bakker, 2013).

حکمروایی شهری برخلاف مدیریت شهری، فرایندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد. حکمروایی شهری فرایندی کاملاً سیاسی در نظر گرفته می‌شود بنابراین حکمروایی شهری را می‌توان فرایندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد (Movahed et al, 2014:152).

حکمروایی مشارکتی به یک ویژگی اصلی در مدیریت شهری تبدیل شده است که توسط دولت‌ها و سازمان‌های دولتی به الگویی برای مشارکت جامعه مدنی و مردمی تبدیل شده است (Lemanski, 2017:15).

5_ روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مروری با بررسی منابع، اسناد و بهره‌گیری از گزارش‌های بین‌المللی، مقالات و پایگاه‌های اینترنتی، صورت گرفته است.

6_ نتیجه‌گیری:

بحث‌های اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای در اکثر زمینه‌ها به‌ویژه در مسائل و مشکلات مربوط به مدیریت شهری برخوردارند. با شناسایی عوامل و شاخص‌های مؤثر در تحقق مدیریت یکپارچه مدیریت شهری و حفظ جایگاه سیستم مدیریت کارآمد و منسجم و تعامل با دیگر نهادها و ارگان‌های شهری به اهداف تعیین شده دست‌یافت و توسعه همه‌جانبه و روزافزون را شاهد بود.

تدوین اهداف بلندمدت هم‌راستا میان سازمان‌های متولی امور شهری و ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های متولی امور شهری برای دستیابی به مدیریت یکپارچه شهری از طریق همبستگی بین مدیران سازمان، کارکنان سازمان‌های متولی امور شهری و همچنین بین سازمان‌های متولی امور شهری و متعهد کردن تمامی کارکنان سازمان نسبت به امور اجرایی، الزامی است.

رسیدن به حکمرانی شایسته از طریق ایجاد نظام پیشنهادها و نظام مشورتی با کارکنان و شهروندان، افزایش شفافیت، مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانونمندی یا قانون‌مداری با حذف قوانین و مقررات قدیمی، متناقض و متعدد در نظام شهری؛ یکپارچگی، انسجام در قوانین جاری، حضور و مشارکت واقعی همه‌جانبه مردم، شهروندان در سرنوشت شهر، فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام شهر می‌توان برشمرد. حکمروایی به‌عنوان رویکردی که در آن همکاری بین گروه‌ها و جوامع برقرار شده و مدیریت شهری تعاملی و مشارکتی شکل می‌دهد که به افزایش کیفیت عملکرد مدیریت کمک می‌کند و همچنین با به‌کارگیری این رویکرد شاهد شکل‌گیری مدیریت شهروند محور خواهیم بود. اگر مدیران شهری از رویکرد متمرکز به رویکرد مشارکتی روی آورند می‌توانند موجبات افزایش عملکرد را فراهم کنند.

در حال حاضر رویکرد حکمروایی شهری به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت در تلاش است تا نظام پیچیده و چند سطحی امروزه مدیریت شهرها را بهبود ببخشد و با اداره مردمی شهر و تقویت سازمان‌ها و نهادهای عمومی، دولتی و خصوصی به دیدگاه‌ها و تئوری‌های توسعه پایدار و شهرهای انسان‌گرا نزدیک شود، رویکردی که همچنان در سیستم مدیریت شهری در ایران مغفول مانده و مورد توجه قرار نگرفته است.

7_ منابع

- اجزا شکوهی، م. رهنما، م.ر. و گوهری قاس میهور، ن. (1393). مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران. ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد. شورای اسلامی شهر مشهد.
- اکبری، س. غلامی، ز. و تقوی، م. ع. (1395). تأملی در باب نقش «حکم رانی خوب» برای تحقق زندگی مطلوب در سیره امام علی (ع). معرفت سیاسی، 8(1): 99 - 114.
- ایمانی، م.، جلیوند، ح. و زندبیری، ح. (1391). بررسی مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی- اقتصادی در جنگل‌های چهارمحال و بختیاری، مطالعه موردی: سامان عرفی کلگچی لردگان.
- اشرف، احمد. (1353). ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی. نامه علوم اجتماعی. 7-49. شماره 4
- اقبال آشتیانی، پیرنیا، باستانی پاریزی، عباس و حسن و محمد ابراهیم. (1387). تاریخ ایران: تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه. تهران: انتشارات علم.
- آشنا، محسن. واشقانی فراهانی، ابراهیم. ربیعی فرداد، ابوالفضل (1400). مطالعه موانع و چالش‌های زمینه‌ای فراروی حکمروایی و مدیریت شهرها در ایران. جغرافیا و روابط انسانی، زمستان 1400، دوره 4، شماره 3، صص 31-18
- بابایی، مهناز، ابراهیمی، سعید، (1395). «مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان فصلنامه اقتصاد شهری، سال اول، 36-17.
- برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج. (1388). مدیریت و حکمروایی شهر. ی تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر، 79
- تاتار، م.، پاپ زن، ع.، احمدوند، م. (1394). حکمروایی خوب کلید بحران مدیریت آب کشاورزی: الگوی مفهومی بر مبنای مدیریت تضاد. اولین کنگره سالانه جهان و بحران انرژی.
- حائری، وحید (1394). کندوکاوی ساختاری در مساله حق بر شهر، نشریه هفت شهر، 4 (50) 165-182.
- حیدر زاده، احسان، آراسته، مجتبی، رحمانی، جواد (1400). مقایسه تطبیقی الگوی مدیریت شهری در کشورهای ایران، ترکیه و مالزی و کره جنوبی با تأکید بر چالش‌های مدیریت شهری در ایران. فصلنامه راهبرد توسعه/ سال هفدهم/ شماره 4 (پیاپی 68)/ زمستان 1400/ 131-154
- حبیبی، داود، سحر، محبوبی (1398)، تبیین رابطه حکمروایی خوب شهری و رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری (مطالعه موردی: شهر دوگنبدان). مطالعات محیطی هفت حصار شماره سیام/ سال هشتم/ زمستان 1398 صص. 47-58.
- زیاری، کرامت‌اله. یداله نیا، هاجر. یداله‌نیا، حسین (1397). تحلیل عملکرد مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب از منظر شهروندان (مورد مطالعه: شهر ساری). فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری سال 11، شماره پیاپی 40، بهار 1399
- سعیدی، عباس. (1388). شالوده‌ی مکانیابی و استقرار روستاهای جدی. د تهران: انتشارات شهیدی.
- شیعه، اسماعیل. (1380). کارگاه برنامه‌ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- شریفیان ثانی، م. (1380). مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، 37: 7-42.
- صفریان، ر.ا. و اما مجمه‌زاده، ج. (1396). الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه. فصلنامه دولت پژوهی، (21): 145-181.
- قرخلو، مهدی؛ حسینی، سید هادی. (1386). شاخصهای توسعه پایدار شهری. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای 4 (8)، 177 - 157
- کایر، آ. م. (1386). حاکمیت (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی. تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- کاظمیان، غلامرضا. (1392). مدیریت شهر. ی جلد سوم: بررسی تطبیقی نظام مدیریت شهری در کشورهای نمونه. تهران: انتشارات تیسرا.
- کاظمیان، غلامرضا. (1392). مدیریت شهر. ی جلد اول: مبانی و حوزه‌ها. تهران: انتشارات تیسرا.
- کامیار، غلامرضا. (1385). حقوق شهری و شهرسازی تهران: انتشارات مجد.
- کوهستانی، ح. و قاسمی، ن. (1393). نقش حکمرانی خوب در مدیریت توسعه روستایی پایدار، اولین همایش ملی توسعه پایدار روستایی در افق 1404، اصفهان. شرکت توسعه سازان گردشگری اصفهان.
- لاله پور، م. (1386). حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای درحال توسعه توسعه. فصلنامه جستارهای شهرسازی، 19-20: 60-71.
- معینیان میان‌دوب، غزال و برنجی، نسیم. (0931). (بررسی تحقیق‌پذیری حکمروایی خوب شهری با تاکید بر نقش نهاد شهرداری (مورد مطالعه: شهر تبریز). معماری شناسی، 8(2): 29-37.
- محمدی، علی اصغر، حسین عزیزی، محمد مرادی (1399). تاثیر حکمرانی مطلوب در توسعه شهری در ایران، مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره 3، شماره 3 - شماره پیاپی 11 زمستان 1399 صفحه 273-289.
- ناظمی، شمس‌الدین؛ حسینی، زهرا و صنیعی، عاطفه. (1388). بررسی امکان‌سنجی استقرار مدیریت یکپارچه شهری در ایران (مورد مطالعه شهر مشهد). مجله تخصصی مدیریت شهری: دو فصلنامه شورای اسلامی شهر مشهد، د 1 (2)، 1 - 21
- یگانگی، س.ع.، الوانی، س.م. و معمارزاده طهران، غ. (1395). اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین. خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت رسالت دولتی)، 7(1): 1-9.

- Bakker K. and Morinville C. 2013. The governance dimensions of water security: a review, Program on Water Governance, Institute for Resources, Environment and Sustainability, The University of British Columbia, 2202 Main Mall, Vancouver, BC V6T 1Z4, Canada.
- Berkpour, N., Asadi, I (2011): "Management and Urban Governance", Art University Press, Number of Pages: 272.
- European Union. (2011), Cities of Tomorrow - Challenges, Visions, Ways forward, European Commission, Directorate General for Regional Policy.
- Khandakar E. 2009. UNDP on good governance. International Journal of Social Economics, 36: 1167-1180. 10.1108/03068290910996981.
- Lemanski, C. (2017): Unequal citizenship in unequal cities: participatory urban governance in contemporary South Africa, IDPR, 39 (1).
- Hekmatnia, H ;Mousavi, M :Afshani, A ;Maleki, M. (2017): "Investigation and Analysis of

- Good Urban Governance in Iran (Case Study: Ilam City)", Journal of Geographical Space Preparation, University Scientific Journal Golestan, Seventh Year, No. 24.
- Movahed, A; Kaman Rudi, M; Sasanpour, F; Ghasemi Kafroodi, S. (2014): "Investigation of Good Urban Governance in Urban Neighborhoods (Case Study: District 19 of Tehran Municipality)", Journal of Planning Studies Urban, Second Year, No. 7, pp. 176-147.
 - Nadin, V. (2006), The Role and Scope of Spatial Planning: Literature Review, Department of Communities and Local Government, University of the West of England, Bristol, UK
 - UN-Habitat. 2006. Global campaign on urban Governance concept paper, 2nd Edition, Nairobi.
 - *Uzun, C.N. (2007): Globalization and urban governance in Istanbul, ORIGINAL PAPER, ORIGINAL PAPER, 127-138.*

"Evaluation of integrated urban management policies in Iran with governance approach"

Abstract

In recent decades, the issues and problems of cities have become more complex, and integrated urban management needs a transformation and an attitude beyond the attitude and performance of the previous traditional management system. The multiplicity of management and inconsistency of public and private organizations and institutions in charge of urban affairs is one of the basic issues in the field of urban management; Nowadays, the proper administration of cities is not possible without integrated urban management.

Realization of management and changes in management approaches happen in a platform known as governance platform. The concept of governance is related to the concept of government, but it is different from it. Instead of focusing on the government, governance flows power inside and outside the official authority and government institutions in the form of three pillars: "Government", "Private Sector" and "Civil Society". In addition, the foundation of governance is the process of decision-making and implementation of decisions, which determines how the three mentioned actors with different priorities and tastes reach harmony. In this way, the topics raised in the category of governance include power and its distribution system, how to make policies, priorities and accountability.

In this study, various aspects of governance and integrated management have been addressed and obstacles and challenges of governance in Iran have been investigated. The results show that components such as "the lack of a city and a basic theory to define the city in Iran", "the lack of formation of a powerful and influential civil society", "the lack of development of the concept of planning in Iran", "the lack of the place of the concept of citizenship" ", "the place of urban management in the laws and documents of Faradast", "lack of integration in urban management" and "unstable financing of municipalities and its related problems" are among the most important obstacles in this field (Ashnavar and colleagues, 1400).

Key words: governance, urban management, governance, integrated urban management